

1-Are you all right conversation1

وقتی یک فرد مصدوم یا بیمار میبینی
و میخوای بهش پیشنهاد کمک بدی

Context

خوبی؟

Are you all right?

برادرت خوبه؟

Is your brother all right?

رنگت پریده، حالت خوبه؟

You are off color, are you all right?

مادرت حالش خوبه؟ انگاری رنگش پریده.

Is your mother all right? She seems off color.

حالم خوب نیست. تهوع دارم.

I am not all right/ I am down/ I am under the weather. I have got a vomit?

چیزی شده؟ رنگت پریده.

Is anything wrong? You seem off color.

نمی دونم چی خوردم؟ سرگیجه دارم.

I don't know what I have eaten? I feel dizzy.

چرا رنگت پریده؟

Why are you off color?

مادرت حالش خوبه؟ نگرانشم.

Is your mother all right? I am worried about her.

می بایست تا الان می رسید، نگران مادرتم.

She should have arrived by now, I am worried about mother.

نگران نباش، احتمالاً تو ترافیک گیر کرده.

Don't worry; she must have gotten stuck in the traffic.

حالم خوب نیست، بدجور معده درد دارم.

I am down, I have got a terrible stomach ache.

حالم خوب نیست، با رئیسم دعوا کردم.

I am not in the mood, I have quarreled with my boss.

حالم خوب نیست، سر به سرم نذار.

I am in a rotten mood, don't pull my leg.

حالم خوب نیست (سلامت جسمی) I am not alright

حالم I am not in the mood/I am in a rotten mood

خوب نیست (سلامت روحی)

rotten یعنی

التماست می کنم، مامانم حالش خوبه؟

I entreat you, is my mother all right?

دستم به دامنتم.

I beg you.

مادرم حالش خوبه؟ اینجا بستری هست.

Is my mother all right? She is bed ridden here.

نگرانشم.

I am worried about her.

دارم نگرانش می شم.

ام 2 صفت

I am getting worried about her.

مادرم اینجا بستری شده.

My mother has been laid up here.

نگران نباش، سر و مرگنده هست. تازه عملش کردم.

Don't worry; your mother is alive and kicking. I have just operated her.

تازه عمل شده.

She has just been operated.

رئیسست خوبه؟

Is your boss all right?

رو چه حسابی این حرف رو می زنی؟

What makes you say that?

نگرانشم، تازه تصادف کرده.

I am worried about him, he has just had an accident.

~~تازه تصادف کرده.~~

~~He has just had an accident.~~

بادمجون بم آفت نداره.

He is alive and kicking

بار مثبت (خوشحالم)

He is as strong as an ox.

که حالش خوبه!

He is as strong as an ox

بار منفی (ناراحتم که حالش خوبه!)

خوبی؟ داره ازت خون می ره.

Are you all right? You are bleeding.

نگران نباش، چیزیم نیست، سر و مرو گنده ام.

Don't worry, nothing is wrong with me, I am alive and kicking.

مادرم حالش خوبه؟ دلم شور می زنه.

Is my mother all right? I have got a butterfly in my stomach.

رو چه حسابی نگرانشی؟

What makes you **worry** about her?

شنیدم اینجا بستریه.

I heard she was bed ridden here.

متأسفانه، مجبورم بگم من نهایت تلاشم رو کردم.

Unfortunately, I gotta tell you I have done **my best**.

من نهایت تلاشم رو دیشب کردم.

I did my best last night.

نهایت تلاشم رو کردم، مردنیه.

I have done my best, **he is at death's door**.

چیزیم نیست.

There is nothing wrong with me.

عملش رو تموم کردم. متأسفانه مجبورم بگم کاری از دستم بر نمی آید.

I have finished her operation. Unfortunately, I gotta tell you **there is nothing I can do about it.**

I am afraid i gotta tell you i have done my best, there is nothing i can do about it, she is at the death door.

کاری از دستت بر می آید؟

Is there **anything** you can do about it?

کاری از دستم بر نمی آید، دقیقه به دقیقه داره بدتر می شه.

There is nothing I can do about it; **he has been going downhill minute by minute.**

نگران چی هستی؟

What are you worried about?

تازه عمل شده، دقیقه به دقیقه داره بهتر می شه.

She has just been operated; **she has been going uphill minute by minute.**

مسأله اقتصادی کشور روز به روز بدتر می شه.

The economical problem of the country **has been aggravating day by day.**

متأسفانه، کاری از دستم بر نیومد.

Unfortunately, there **was** nothing I **could** do about it.

کاری از دستت براومد براش انجام بدی؟

Was there anything you could do about it?

کاری از دستم بر نیومد، زیر عمل فوت کرد.

There was nothing I **could** do about it; she **passed away** in the operation.

مادرت خوبه؟ شنیدم تصادف داشته.

Is your mother all right, I heard she **had had** an accident.

نگران نباش، سر و مرو گنده هست. تو اتاقش **دراز کشیده.**

Don't worry, she is alive and kicking. She is **lying** in her room.

خوبی؟ شنیدم دیروز عمل کردی.

Are you all right? I heard you **had an operation** yesterday.

دیروز عمل داشتم، خدا رو شکر. الان **سریا هستم**.

I had an operation yesterday, **thank God**. **I am up and about** now.

مادرت حالش خوب نیست. نیاز به تنفس مصنوعی داره.

Your mother is down. **She needs a breathe of life**.

مشروب خوردی؟

Have you had a **drink**? **have a drink** مشروب خوردن

شنگولی.

You are as right as rain.

دو هفته پیش عمل کردم، الان تو **دوران نقاهت** هستم.

I had an operation 2 weeks ago; I am **on the mend** now.

چندوقته تو بیمارستان بستری هستی؟

How long have you been bed ridden in the hospital?

دو هفته است تو بیمارستان بستریم. دکتر قراره فردا مرخصم کنه.

I have been bed ridden in the hospital for 2 weeks. The doctor is supposed to release me tomorrow.

خوبی؟ چرا **هی** داری وول می خوری؟

Are you all right? Why are you **moving/struggling** over and over?

دستشویی دارم.

I need call of nature/take a leak.

جیگرم حال اومد.

I have got a new lease of life.

چقدر تشنه ام بود، جیگرم حال اومد.

How thirsty I was, I have got a new lease of life.

چقدر ... بودم

چیزیم نیست.

There is nothing wrong with me.

مطمئن نیستم. بذار ببینم چی شده؟

I am not sure, let me see what has happened?

خوبی؟ چرا می لنگی؟

Are you all right? Why are you **legless**? Are you drunk? Why are you legless?

چه اتفاقی برات افتاد؟

What happened to you?

چه اتفاقی برات افتاده؟

What has happened to you?

فکر می کنم پام شکسته.

I think I have broken my leg.

زمین خوردی؟

Have you fallen down?

دیشب زمین خوردی؟

Did you fall down last night?

دیشب دیدم زمین خوردی.

I saw you fall down last night.

تازه بستریش کردم. چیزیش نشده.

I have just laid her up. There is nothing wrong with her.

بوسیله یه نفر که سوار اسکیت بود زمین خوردم.

I was **knocked down** by **someone on the roller skate**.

زمین خوردم.

I have fallen down.

دیشب زمین خوردم.

fall down شخص خودش خورده زمین
knock down شخص توسط عامل دیگری خورده زمین
بعضی از افعال انگلیسی همیشه پسو هستند
مثل همین فعل
کدینگ: توی پوکس ناک اوت میشه بازیکن

I fell down last night.

زمین سر بود، دیشب زمین خوردم.

The floor was slippery, I fell down last night.

داشتم تو خیابون راه می رفتم که یهو توسط یه دوچرخه سوار از پشت زمین خوردم.

I was walking along street, when suddenly; I was knocked by someone on a bicycle from behind. down

داشتم تو خیابون راه می رفتم که توسط یه موتور سوار زمین خوردم و کیف رو دزدید.

I was walking along the street, I was knocked down by someone on a motorcycle, and I was mugged.

فکر می کنم پام رگ به رگ شده.

I think I have sprained my ankle.

پام شکسته.

I have broken my leg.

داشتم تو خیابون راه می رفتم، برادرت جفت پا برام گرفت.

I was walking along the street; your brother tripped me up.

Vocabulary

گاو نر

Ox

بهتر شدن

To go uphill

بدتر کردن، رو به وخامت رفتن

Aggravate

بدتر شدن

To go downhill

سربالایی

Uphill

سرازیری

Downhill

تقلا کردن

Struggle

اجاره نامه

Lease

کلاه گذاشتن

Deceive

کلاه سر کسی رفتن

To be taken for a ride

دست رو شدن

To be find out

جفت پا گرفتن

Trip up/over

مادرت سر و مرگنده هست

Your mother is alive and kicking

بادمجون بم آفت نداره

He is strong as an ox

مردنی هست.

He is at death door

Conversation text

A: Excuse me, are you all right?

B: Well, I am not sure.

A: What has happened?

B: I was knocked down by someone on the roller skate.

A: Oh, no. Can I do anything to help?

B: What do you mean?

A: Can I help? Shall I call an ambulance?

B: No, that's ok.

A: Oh dear. Let me help you up.

B: Thanks. You are very kind.

A: Don't mention it.

.

2-Let me help you up

Context

کمکی از دست من برمی آد؟

Can I do anything to help?

می خواهی چیکار کنم؟

What would you like me to do?

تو این شرایط می خواهی من چیکار کنم؟

What would you like me to do in this **condition?**

آمبولانس خبر کنم؟ شما کمک لازم دارین.

کمک اولیه

Shall I call an ambulance? You need a **first aide.**

پلیس زنگ بزنم؟

Shall I call the police?

شما به مرگ تهدید شدی.

You have been threatened to death.

همسایه هارو خبر کنم؟ فکر کنم **دزدی اتفاق افتاده.**

Shall I call the neighbors? I think **there has been a robbery.**

به زنت زنگ بزنم؟

Shall I call your wife?

نه همه چی درسته.

No, that's ok.

همه چی درست می شه.

Everything will be all right.

چیزیم نیست.

There is nothing wrong with me == nothing is wrong with me

فکر می کنم خوب می شم.

I think I will be all right.

فکر می کنی خوب بشی؟

Do you think you will be all right?

از کجا می دونی خوب می شی؟

How do you **know** you will be all right?

چند دقیقه بگذره خوب می شم.

I will be all right **after passing a few minutes.**

خوب می شی یا زنگ بزنم آمبولانس؟

You will be all right or I call an ambulance?

خوبی؟ یه زخم رو صورتته.

Are you all right? There is a **scar** on your face.

فکر کنم صورتت بخیه لازم داره.

I think your face needs **stitching.**

من فکر کنم **نیاز هست** دستت رو بخیه کنم.

I think I need to stitch your arm.

بزار کمکت کنم بلند شی.

Let me help you up.

بزار کمکت کنم دراز بکشی.

Let me help you lie.

بزار کمکت کنم بری تو.

Let me help you in.

بزار کمکت کنم خارج شی
let me help you off

واقعاً لطف می کنی که کمکم می کنی.

It's really kind of you to help me.

حرفشمن نزن کاری نکردم.

Don't mention it; I haven't done **any special job.**

or thing

کبکش خروس می خونه.

She is as fit as a fiddle.

پات چیزی شده؟

Is there anything wrong with your leg?

نه یه موتورسوار زد بهم و فرار کرد رفت.

I was knocked down by someone on a motorcycle and ran away.

Vocabulary

تهدید کردن، ترساندن

Threaten

بخیه زدن

Stitch

ویولن، کمانچه

Fiddle

فرار کردن

Run away

فرار کردن

Escape

Proverb

لقمه بزرگتر از دهنت برداشتی.

You have bitten off more than you can chew.